

۲ گزارش یک مهدی مولایی

ساعت ۱۸روز دوشنبه منتظریم تا آخرین نفر به جمع‌مان افزوده‌شود.بازار گپ و گفت گل انداخته و از جنگ و توافق تا جزئیات مراسم بزرگ تشییع رهبری موضوع گنده سرپایی دوستان است. برای دیدار با خانواده یکی از شهدای روز نهم اسفند در بیت رهبری آمده‌ایم. خانواده شهید سردار شیرازی، رئیس دفتر نظامی رهبر انقلاب، سردار از حاضران در جلسه شورای عالی دفاع در دفتر نظامی رهبری بود که در نخستین روز جنگ، همراه شهیدان موسوی و شمسخانی و نصیرزاده به‌شهادت رسیدند. صحبت‌های میهمانان تازه گرم شده که ماشینی جلوی پایمان ترمز می‌کند. چشم‌ها به سمت درب ماشین برمی‌گردد و مسردی لاغراندام و موسیبید کرده با کت‌وشلواوی سررهم‌ای از آن پیاده می‌شود. او همان آخرین نفری است که منتظرش بودیم. دکتر حداد عادل، بارسیدن آقای حداد، به‌سمت محل قرار در میانه کوچک‌قدم برمی‌داریم. مردان خانواده در حیاط به استقبال‌مان آمده‌اند. با یک‌یک میهمانان دست می‌دهند و خوشامد می‌گویند. مرد سالخورده‌ای که ظاهرآ پدر همسر شهید است، به چشم دکتر حداد آشنا می‌آید و تا پله‌های انتهای حیاط را بالا برویم، متوجه می‌شوند که در دهه ۶۰ جایی همسفر بودند. از حافله خوب به‌رویشان تعجب می‌کنم. وارد خانه که می‌شویم، همسر و دختران شهیدایستاده‌اند به‌انتظار. یکی دو تصویر از شهید، و تصاویری از رهبر انقلاب‌اسلامی بر دیوار خانه‌نشسته.خانه باصفا و آرام‌اشی است. جز همین یکی دو عکس، نشانی از عذر در خانه‌نیست و این خودکمتی بزرگ دارد در منازل شهیدای ما.

آقای دکتر حداد عادل و همسر شهید شیرازی که بزرگ‌ترهای مجلسد بالاتر می‌نشینند. دخترهای شهید یک سمت و میهمان‌ها سسمنی دیگر. آقای حداد، که خود به‌واسطه شهادت دخترش دادغدار و عزادار است، به نمایندگی از جمع به خانواده شهید تبریک و تسلیت می‌گوید. همسر شهید، تسلیت دکتر را با تسلیتی متقابل پاسخ می‌دهد. آدمی در برابر عظمت قربانیانی که این دو خانواده تقدیم کرده‌اند اینطور هر یک خالصانه و متواضعانه در آن شهیدان دیگر می‌زند احساس حقارت می‌کند. عظمت دو خانواده‌ای که عزیزترین‌شان در راه خدا داده‌اند و احساس باخت مایی که این مدال را او هیچ‌مدال دیگری را به‌سینه نداریم.

آقای حداد می‌گوید شهید را از چندین‌دهه قبل می‌شناختم. اوج انس و نزدیکی‌مان هم ایام حج سال ۱۳۷۸ بود که همسفر کردیم و یک ماه تمام با سردار شیرازی هم اتاق بودیم. منظم بود و وقت‌شناس. اهل مراعات بود و مطلقاً هیچ زحمتی برای اطرافیان نداشت. گویی که اصلاً در اتاق نبود. وقت‌های خالی را در هتل، صرف نوشتن یادداشت‌هایی درباره‌حج می‌کردم و نوشته‌های روزانه‌ام را

۲ گزارش ۲

تاریخ نهم اسفند ماه ۱۴۰۴، حملات نظامی هماهنگ و هدفمند نیروهای مسلح دولت امریکا، دو مرکز آموزشی شامل یک مدرسه دخترانه به‌نام شوره‌طبیح و یک مدرسه سرپانه به‌نام ره‌ پویان خلیج فارس را در شهر میناب هدف قرار داد. این حمله که در ساعات آموزش و در زمان حضور حداکثری دانش آموزان صورت گرفت، منجر به شهادت ۱۵۶ کودک و مجروحیت ده‌ها دانش آموز دیگر شد که بسیاری از آنان تا پایان عمر با آسیب‌های شدید جسمی و روانی دست و پنجه نرم خواهند کرد. این مقاله با تمرکز تخصصی بر کنوانسیون حقوق کودک (Convention on the Rights of the Child)، به عنوان مهم‌ترین سند بین‌المللی حمایت از کودکان و در پر تو قواعد امره حقوق بین‌الملل و اصول بنیادین حقوق بشر در دستانه، ابعاد حقوقی این فاجعه را بررسی می‌کند. نتیجه‌ان است که این اقدام نه تنها نقض فاحش حقوق بشر، بلکه شورش علیه روحش جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت و نقض قواعد امره بین‌المللی است که مسئولیت بین‌المللی دولت متجاوز را به دنبال دارد. هر چند این جنایت ناقض قوانین متعدد بین‌المللی است، اما تمرکز این تحلیل بر فرآبر کنوانسیون حقوق کودک و نقض نصوص مواد مختلف آن به صورت تخصصی قرار دارد.

کنوانسیون حقوق کودک که در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید، جامع‌ترین سند بین‌المللی در حوزه حمایت از حقوق کودکان محسوب می‌شود و با عضویت ۱۱۶ کشور، فراگیرترین معاهده حقوق بشری جهان است. جمهوری اسلامی ایران نیز در اسفند ۱۳۷۲ به این کنوانسیون پیوسته و مطابق ماده ۹ قانون مدنی، مفاد آن در حکم قانون داخلی و لازم‌الاجرا است. چهار اصل بنیادین این کنوانسیون عبارتند از: اصل عدم تبعیض (ماده ۲)، اصل منافع عالیه کودک (ماده ۳)، حق حیات، بقا و رشد (ماده ۶) و احترام به دیدگاه‌های کودک (ماده ۱۲). ویژگی مهم این سند، شمول حمایت‌های آن در تمامی شرایط اعم از ملج و جنگ است. ماده ۳۸ کنوانسیون دولت‌ها را موظف می‌سازد قواعد حقوق بین‌الملل بشر در دستانه را درباره کودکان رعایت کرده و از کودکانی که تحت تأثیر مخاصمات مسلحانه قرار می‌گیرند، حمایت کند.

تحلیل حقوقی فاجعه کودکان مظلوم میناب نشان می‌دهد که این حمله مصداق نقض گسترده هدفمند و سیستماتیک مواد متعدد کنوانسیون حقوق کودک است. مهم‌ترین و آشکارترین نقض، مربوط به ماده ۶ کنوانسیون است که حق ذاتی کودک برای حیات، بقا و رشد را تضمین می‌کند. شهادت ۱۵۶ کودک در یک روز و در محیط آموزشی، یکی از فجیع‌ترین نمونه‌های نقض حق حیات کودکان در تاریخ معاصر منطقه محسوب می‌شود. حق حیات از جمله حقوق غیرقابل تعلیق است؛ بدین معنا که حتی در شرایط جنگی و اضطراری نیز هیچ دولتی حق نقض آن را ندارد. ماده ۵۱ پروتکل الحاقی اول کنوانسیون‌های ژنو نیز حملات علیه غیرنظامیان و حملات بی‌رویه را ممنوع کرده‌است. افزون بر این، با توجه به تسلسل سازمان، ماهیت معاهدات محله و

جامعه

سرویس اجتماعی ۶۰۰۸۵۲۳



زینب باامراهی ایداع برس

روایت «جوان» از دیدار هیئتی از سوی دفتر رهبر معظم انقلاب

با خانواده شهید شیرازی، رئیس دفتر نظامی رهبر شهید انقلاب

۴۸ سال در بهشت!

می‌شود. بغض گلویش را گرفته و اشک، گوشه‌های عینکش را مه‌الود کرده. با بغض صحبت از دختر عزیزش می‌کند. همان یادداشت‌ها شد کتابی و منتشر شد. آقای دکتر نفسی تازه می‌کند و می‌گوید همین آشنایی و رفاقت، شروعی شد برای اینکه دائماً امور و حوایج مردم را به او ارجاع بدهم. هر کس مشکلی داشت و حس می‌کردم گره به دست او حل شدنی است، با او در میان می‌گذاشتم و مشکل مردم را بی‌توقع حل می‌کرد. من با صاحب حاجت فخر می‌کردم که از برکت انقلاب اسلامی مردانی هستند که بی‌توقع و چشم‌داشت و آشنایی و پارٹی، مشکل مردم را حل می‌کنند.

بالاخره به مناسبتی صحبت از دختر شهید دکتر حدادعادل برای حاج‌محمد می‌خواندم. به‌دقت گوش و تحسین می‌کرد و تشویق می‌می‌کرد به ادامه نوشتن. به تهران که برگشتم برای یادداشت‌ها شد کتابی و منتشر شد.

آقای دکتر نفسی تازه می‌کند و می‌گوید همین آشنایی و رفاقت، شروعی شد برای اینکه دائماً امور و حوایج مردم را به او ارجاع بدهم. هر کس مشکلی داشت و حس می‌کردم گره به دست او حل شدنی است، با او در میان می‌گذاشتم و مشکل مردم را بی‌توقع حل می‌کرد. من با صاحب حاجت فخر می‌کردم که از برکت انقلاب اسلامی مردانی هستند که بی‌توقع و چشم‌داشت و آشنایی و پارٹی، مشکل مردم را حل می‌کنند.

همسر شهید، استاد حوزه‌علمیه‌و از فعالان و موب‌کداران این شب‌های میادین است، از خاطرات‌شان می‌گوید. اولین جلسه‌اش این است که «من ۴۸ سال در بهشت زندگی

خانه بیرون زدم و به خواست خدا کوچک‌ترین آسیبی ندیدیم. محافظان، حاج‌محمد را بردند و دیگر انقدر حجم کارهایشان زیاد شد که تا چندماه برگشتند. خدا خواست که بماند و کارهای نظامی کشور را در این چندماه انجام دهد و کارهای بزرگ و مؤثری هم این‌اواخر کرد. بچه‌ها امکان ملاقات و حتی تماس با پدرشان را نداشتند و من شده‌بودم کبوتر نامه‌رسان. جمعه‌ها می‌توانستم شهید را در محل کارش ببینم و نامه‌های پدر دختری را ببینشان ردوبدل کنم. کرب‌های همسر شهید که تمام‌می‌شود، یکی از حاضران ذکر مصیبت حضرت سیدالشهدا را می‌خواند. شب‌اول محرم است و رزق اولین اشک امسال‌مان در منزل شهید نوشته می‌شود. همه بغض‌های در گلو مانده‌اشک می‌شود. دختران شهید بی‌قراری می‌کنند. ملنا بیات شعری می‌خواند که

به وقت صبح قیامت که سر ز خاک برآرم

به گفت و گویی تو خیزم به جست و جوی تو باشم

روژه‌خوانی که تمام می‌شود و چراغ‌ها را روشن می‌کنند، آقای حداد هدی‌های از طرف دفتر رهبر انقلاب به خانواده شهید هدیه می‌کنند. تابلویی از تصویر سردار شیرازی به همراه رهبر شهید انقلاب و دو کتاب. آقای حداد خطاب به خانواده شهید می‌گوید البته کتابی هم اخیراً درباره دختر شهیدم نوشته‌ام به نام «عزیز و با وفا» و به زودی چاپ می‌شود. ان‌شالله می‌گویم یک نسخه خدمتان بیاورند.

خطاب به یکی از دخترها. که عروس خانواده یکی از شهداست می‌گویند یک کتاب ۵۰۰ صفح‌ای هم اخیراً نوشتم که ۱۰ صبح امروز نگارشش تمام شد. درباره شهید شما هم مطالبی در آن آورده‌ام. انگشت به دهان مانده‌ام از این حجم کار پیرمردی ۸۱ساله و نحیف که عزادار دختر شهید، و رهبر و دوست دیرین خود است و همچنان کارهای تدریس و تالیفش با حجم زیاد پلرچاست.

موقع خداحافظی، آقای حداد با همه خانواده، یک به یک، گرم و صمیمی صحبت می‌کند. با بعضی از میهمان‌های همراه هم درباره مسائل مختلف گپیی کوتاه می‌زند. با خانم‌های گوینده خیر درباره حواشی صداوسیما و با بعضی درباره مدیریت مدرسه‌ها و آموزش پرورش و اعلام آمادگی همراهی مدرسه فرهنگ، که زیر نظر خودشان است. آقای مداح را ویژه‌تر تحویل می‌گیرند. اسمش را می‌پرسند و باز با طبع طبع شاعری می‌گویند کاش بیت اول آن شعر را هم می‌خواندی که

در آن نفس که بمیرم در آرزوی تو باشم

بدان اشیدر جان هم که خاک کوی تو باشم

با آن موچه بودیم، از موچه ماندن بسیاری از کلاها و خدمات، تحت تأثیر نرخ دارویی که باید از طریق دریا و با کشتی وارد کشور می‌شد. حدود سه ماه است که با وقفه مواجه شده، زیرا تردد کشتی‌ها به بنادر ایران متوقف و محدود شده و این موضوع باعث کندی و کاهش در روند تأمین برخی اقلام شده‌است.»

تلاش برای مسیری‌های جایگزین
وزیر بهداشت به تأمین مواد اولیه از مسیرهای جایگزین اشاره کرد و افزود: «تلاش کردیم این کمیودها از طریق حمل‌ونقل ریلی و هوایی جبران کنیم. بنابراین، نخستین اولویت ما این است که تأمین دارو به صورت پایدار انجام شود. در همین راستا، کارشورهای مانند هند و چین که از تأمین‌کنندگان اصلی مواد اولیه دارویی هستند در ارتباط هستیم و حتی هیئت‌هایی نیز به این کشورها اعزام شده‌اند تا راه‌های مختلف واردات مواد اولیه دارویی بررسی و تأمین شود. هدف ما این است که کمیود دارو به حداقل برسد و زنجیره تأمین و تولید دارو در کشور بتواند به فعالیت عادی خود ادامه دهد.»

نیز نقض شده‌اند. ماده ۴ دولت‌ها را ملزم به تضمین حقوق شناخته‌شده در کنوانسیون می‌کند، به‌طور کامل نادیده گرفته شده‌است. ماده ۷ درباره حق هویت و ثبت ولادت، با توجه به دشواری‌های شناسایی برخی قربانیان آسیب‌دیده است. ماده ۱۷ درباره دسترسی کودک به اطلاعات و مطالب آموزشی و فرهنگی، در نتیجه تخریب مدارس و فضای ربع مختل شده‌است. ماده ۲۳ که به حمایت از کودکان دارای معلولیت‌ها اختصاص دارد، درباره کودکانی که در این حمله دچار معلولیت دائمی شده‌اند اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. ماده ۲۶ درباره تأمین اجتماعی، با تحمیل هزینه‌های سنگین درمانی و اقتصادی بر خانواده‌ها نقض شده و ماده ۳۱ که حق استراحت، بازی و تفریح فعالیت‌های تفریحی را تضمین می‌کند، با نابودی احساس امنیت کودکان عملاً بی‌اثر شده‌است.

مرگ قواعد امره حقوق بین‌الملل در حمله به میناب

اگرچه محور این تحلیل صرفاً در پر تو کنوانسیون حقوق کودک است، اما لازم به ذکر است که این جنایت بسیاری از قوانین و کنوانسیون‌ها و معاهدات و اصول و قواعد امره و عرفی بین‌المللی را نقض و یا عمال کرده‌است؛ از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی، میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون منع شکنج و کنوانسیون‌های ژنو. در سطح حقوق بشر دست‌نشانده، سه اصل بنیادین به‌طور هم‌زمان نقض شده‌اند: تفکیک، اصل احتیاط و اصل تناسب. حمله به مدارس میناب نشان می‌دهد که اهداف غیرنظامی به‌صورت مستقیم مورد هدف قرار گرفته‌اند و هیچ توجیه حقوقی برای چنین حمله‌ای وجود ندارد. در انتها حقوقی ایران نیز نقض‌های پیگیری این جنایت را دارد. مطابق ماده ۹ قانون مدنی، محاصمات مسلحانه اختصاص دارد نیز به‌طور کامل نقض می‌کند. کشته شدن ۱۵۶ کودک در یک حمله، به هیچ عنوان با مفهوم خسارت جانی قابل توجیه نیست. ماده ۸ اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی نیز حمله عمدی به مراکز آموزشی را جنایت جنگی می‌داند.

ماده ۳۹ کنوانسیون دولت‌ها را موظف می‌کند زمینه بازتوانی جسمی و روانی کودکان قربانی محاصمات را فراهم آورد. در حالی که دولت مهاجم خود عمل اصلی آسیب‌بوده و با استمرار خسوت‌ها، شرایط بازتوانی قربانیان را دشوارتر ساخته‌است. کودکان مجروح نیازمند خدمات بلندمدت درمانی، روان‌درمانی، توانبخشی و حمایت اجتماعی هستند و عدم دسترسی کافی به این خدمات، آثار فاجعه را تشدید می‌کند. ماده ۲۷ کنوانسیون، شکنجه و رفتارهای غیرانسانی علاوه بر این مواد، مواد ۲۶، ۱۳، ۱۲، ۱۱ و ۳۱ کنوانسیون



محمود رشونواز

وکیل شهدای کودکان میناب

هدف قرار گرفتن کودکان ایرانی، این اقدام می‌تواند ذیل مفهوم نسل‌کشی نیز مورد بررسی قرار گیرد، زیرا ماده ۲ کنوانسیون منع نسل‌کشی ۱۹۴۸، قتل اعضای یک گروه ملی را از مصداق نسل‌کشی می‌داند.

ماده ۲ کنوانسیون حقوق

کودک که اصل عدم تبعیض را تبیین می‌کند نیز به‌طور آشکار نقض شده‌است. این اصل از دو جهت زیر با گذشته شد‌است: نخست از حیث ملیت و مذهب، چراکه کودکان ایرانی مسلمان هدف حمله قرار گرفته‌اند؛ و دوم از حیث جنسیت، زیرا حمله هم‌زمان به مدارس دخترانه و سرپانه نشان می‌دهد مهاجمان عمدانه کودکان را بدون توجه به جنسیت هدف قرار داده‌اند. در حقوق بین‌الملل، دختران به عنوان گروهی آسیب‌پذیر نیازمند حمایت مضاعف شناخته می‌شوند و حمله به مدرسه دخترانه می‌تواند واجد ابعاد تبعیض آمیز مضاعف باشد. ماده ۳ کنوانسیون که منافع عالیه کودک را مهم‌تر ملاحظه در تمام تصمیمات مرتبط با کودکان می‌داند، نیز به شدت نقض شده‌است. در فاجعه میناب، نه تنها منافع عالیه کودکان رعایت نشده، بلکه حیات، سلامت، امنیت روانی و آینده آنان قربانی اهداف نظامی ادعایی شده‌است. کمیته حقوق کودک در تفسیر عمودی شماره ۱۴ حمله می‌کند که اصل منافع عالیه کودک را به در تمامی اقدامات دولت‌ها، حتی در شرایط نظامی و امنیتی، رعایت شود. تعداد بالای قربانیان و انتخاب مستقیم مدارس به عنوان هدف، نشان‌دهنده بی‌اعتنایی کامل به این اصل بنیادین است.

ماده ۱۶ کنوانسیون که کودک را در برابر مداخلات خودسرانه در حریم خصوصی، خانواده و امنیت روانی حمایت می‌کند نیز نقض شده‌است. اگرچه مدرسه منزل محسوب نمی‌شود، اما در تفسیر نوین حقوق بشری، محیط آموزشی بخشی از فضای امن رشد شخصیت و هویت کودک تلقی می‌شود. حمله به مدارس نه تنها امنیت فیزیکی، بلکه احساس امنیت روانی کودکان را نابود کرده‌است. بازمادگان این حمله تا سال‌ها با ترس از حضور در محیط‌های آموزشی و بسته مواجه خواهند بود.

حمایت روانی اسناد بین‌المللی از کودکان

ماده ۱۹ کنوانسیون دولت‌ها را موظف می‌سازد کودکان را در برابر هر گونه خشونت جسمی و اضطراری نیز هیچ دولتی حق نقض آن را ندارد. ماده ۵۱ پروتکل الحاقی اول کنوانسیون‌های ژنو نیز حملات علیه غیرنظامیان و حملات بی‌رویه را ممنوع کرده‌است. افزون بر این، با توجه به تسلسل سازمان، ماهیت معاهدات محله و

تحلیل حقوقی فاجعه حمله به مدارس میناب صرفاً در پر تو کنوانسیون حقوق کودک

نسل‌کشی در پناهگاه کودکی



مدرسه‌ای معلوزا کودک، مصداق روشن رفتار غیرانسانی و بیرحمانه است. ایجاد وحشت گسترده و آسیب‌های روانی شدید در کودکان بازمانده می‌تواند در قالب شکنجه روانی مدرسه از جمله آثار روانی این حمله محسوب می‌شود. آثار چنین حملاتی صرفاً محدود به قربانیان مستقیم نیست، بلکه کل جامعه محلی و کودکان منطقه را درگیر می‌کند. مواد ۲۸ و ۲۹ کنوانسیون که حق آموزش و اهداف آموزش را تضمین می‌کنند نیز به شدت نقض شده‌اند. تخریب مدارس و ایجاد فضای رعب و وحشت، استمرار آموزش را مختل کرده و آینده تحصیلی صدها کودک را تحت تأثیر قرار داده‌است. آموزش در کنوانسیون صرفاً انتقال دانش نیست، بلکه ابزاری برای رشد شخصیت، تقویت احترام به حقوق بشر و آماده‌سازی کودک برای زندگی مسئولانه در جامعه است. حمله به مدرسه در حقیقت حمله به آینده یک نسل محسوب می‌شود. شورای امنیت سازمان ملل نیز در قطعنامه ۱۹۹۸ حملات علیه مدارس و مراکز آموزشی را محکوم کرده و آن را تهدیدی علیه صلح و امنیت کودک دانسته‌است.

ماده ۲۴ کنوانسیون که حق کودک برای بهره‌مندی از بالاترین استاندارد سلامت را به رسمیت می‌شناسد نیز نقض شده‌است. بسیاری از مجروحان این حمله دچار سوختگی‌های شدید، آسیب نخاعی، قطع عضو و آسیب‌های مغزی شده‌اند و نیازمند درمان و توانبخشی طولانی‌مدت هستند. افزون بر آن، حمله به زیرساخت‌های منطقه و ایجاد اختلال در خدمات اسمدادی و درمانی، دسترسی سایر کودکان را به خدمات سلامت را نیز محدود کرده‌است. هزینه‌های سنگین درمانی و توانبخشی نیز فشار مضاعفی بر خانواده‌ها وارد می‌کند.

ماده ۲۷ کنوانسیون، شکنجه و رفتارهای غیرانسانی یا تحقیر آمیز علیه کودکان را ممنوع می‌داند. بمباران